



دست کردن شاه یقیناً روحیه ارتش از دست خواهد رفت. در گزارش کنفرانس آمد: «مشکل عمده شاه است و پس از عزیمت او در عین اینکه آیت‌الله یک چهره مقدس باقی می‌ماند باید جبهه ملی کشور را اداره کند.» کارتر که حرف اول را زده بود حرف آخر را هم در حالی که خیلی عصبانی بود این گونه زد:

«پس از این تصمیمات اظهار تأسف درباره آنها به من کمک نخواهد کرد.» پس از این حرف کارتر در میان چهره‌های جبهه ملی، شاپور بختیار گزینه مناسب‌تری عنوان شد تا پس از شاه، کنترل کشور در دست او قرار بگیرد و در زمان مقتضی تصمیمی درباره ایران گرفته شود.

اعتصاب مطبوعات



از فروردین ۱۲۱۶ که کاغذ اخبار به‌عنوان نخستین روزنامه ایران منتشر شد تا مهر ماه ۱۳۵۷ که روزنامه‌نگاران قلم بر زمین گذاشتند و اعتصاب کردند، هیچ دوره‌ای در تاریخ ایران بدون حضور مطبوعات سپری نشده بود؛ اما خفقان روزهای ۵۷ اتفاقاتی را در مطبوعات رقم زد که منجر به دو اعتصاب ۴ و ۶۱ روزه شد. اتفاقی که نه قبل و نه بعد از آن تکرار نشد. «یکباره فضای تحریریه ساکت شد و ماشین‌های تحریر از صدا افتادند. در این سکوت وهم انگیز، وقتی سر به طرف تحریریه برگرداندم دیدم دو سرهنگ نظامی وارد تحریریه شده‌اند... آنها به کسی که خبرها و گزارش‌ها را از شورای سردبیری به بخش حروفچینی انتقال می‌داد دستور دادند همه مطالب را به آنها تحویل دهد تا پس از تأییدشان به حروفچینی بفرستند... همه اعضای تحریریه که در بهت و سکوت بودند به نشانه اعتراض به پا خاستند و با آغاز اعتصاب، همگی دست از نوشتن کشیدند و تصمیم گرفتند تا سرهنگ‌ها در روزنامه حضور دارند دست به نوشتن نزنند» محمد بلوری در کتاب خاطرات خود، فضای تحریریه کیهان را - که آن روزها معاون سردبیر آن بود- در روز نوزدهم مهرماه ۱۳۵۷ این‌طور توصیف می‌کند.

روزنامه نگاران کیهان در اعتراض به حضور مأموران سانسور در تحریریه دست به اعتصاب زدند. خیلی زود از روزنامه اطلاعات و آیندگان خبر همراهی در اعتصاب رسید و با همین سرعت اخبار اعتصاب روزنامه نگاران به دورترین شهرهای ایران مخابره شد. هرچند همان روز شاه به اوپسی (فرماندار نظامی تهران) دستور داد تا نظامیان از تحریریه خارج شوند، اما روزنامه نگاران به این بسنده نکردند، بلوری در خاطر آتش می‌گوید: «با هیجان خاصی یک به یک میز ایستادم و با صدای لرزان و بلندی گفتم دوستان و همکاران عزیز، ضمن ستایش از اقدام تحسین برانگیز جمعی تان، حالا داریم سرهنگ‌ها را از تحریریه بیرون می‌فرستیم، اما می‌دانید که سانسور همچنان برقرار خواهد بود. بنابراین ما دست به قلم نمی‌بریم تا دولت



سینما سادات مرکز بررسی اسناد تاریخی

زندان اوین به دست مردم افتاد

از ساعت ۱۱ شب گذشته جمع زیادی از مردم تهران که عده‌ای از آنها مسلح بودند، برای آزاد کردن زندانیان به سوی زندان معروف اوین حرکت کردند. این عده تا ساعت چهار و سی دقیقه بامداد موفق شدند به داخل این زندان نفوذ کنند و تعدادی از زندانیان را آزاد کنند. مردمی که برای آزاد کردن زندانیان به زندان اوین حمله کرده بودند، در جست‌وجوی محل زندانیان سیاسی شبکه‌های آهنی طبقه دوم این زندان را شکستند.

به دنبال هجوم مردم به داخل طبقه دوم، درهای برقی به‌طور خودبه‌خود بسته شد و عده زیادی در داخل این قسمت به دام افتادند. بلافاصله از طریق رادیو پیام‌های کمک منتشر شد تا عده‌ای با وسایل لازم برای باز کردن این درها به زندان اوین مراجعه کنند. ساعت ۱۰ و سی دقیقه امروز گروه خبری

خبرگزاری پارس [خبرگزاری جمهوری اسلامی] از زندان اوین خبر داد که در میان زندانیان آزاد شده بوسیله مردم، چند نفر مشاهده می‌شوند که در مدت زندان زیر شکنجه قرار گرفته‌اند. براساس این گزارش یکی از زندانیان آزاد شده بوسیله مردم، فلج و دیگری زبانش بریده شده بود. ساعت ۱۰ و چهل و پنج دقیقه امروز برائت تلاش مردم مقداری از اسناد و مدارک زندان اوین و همچنین دو انبار اسلحه در قسمت شمالی این زندان کشف و به دست مردم افتاده است. همچنین یک انبار مهمات که به‌صورت ستونی ساخته شده بود در این زندان کشف شد. به گفته یکی از باغبان‌های زندان اوین این انبار روی حفره‌هایی ساخته شده است که در این حفره‌ها زندانیان سیاسی را نگهداری و شکنجه می‌کردند...

روزنامه کیهان-دوشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۵۷

رادیو تلویزیون چگونه به تسخیر مردم در آمد

صدای راستین ملت



درگیری‌ها در اطراف خیابان باب‌همایون برای تسخیر رادیو تا ساعت سیزده‌وسی دقیقه روز یکشنبه ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ همچنان ادامه داشت. درگیری‌های دیگری نیز در اطراف خیابان جام‌جم در جریان بود. گروهی از نظامیان تا خیابان ولیعهد

[ولیعصر] پیش آمدند و مردم را به رگبار بستند و چند بار هم مردم از پس آخرین نظامیان وفادار به سلطنت برآمدند و تا درون جام‌جم آنها را تعقیب کردند. ساعت دو بعدازظهر، بخش تولید و انتشارات توسط نظامیان آتش زده شد و آنگاه مأموران انتظامی و افراد نظامی که از هم پاشیده بودند ناچار به فرار شدند و سرنجام رادیو تلویزیون به تسخیر مردم مسلح در آمد.

زمانی که اخبار ساعت ۲ رادیو اعلامیه بی‌طرفی ارتش را قرائت کرد، به یگان‌های مستقر در رادیو تلویزیون دستور داده شد که محل را ترک کنند. فرمانده یگان مستقر در سازمان رادیو تلویزیون دستور اجرای فرمان را داد، اما پیش از ترک محل مأموریت همبستگی خود و افراد تحت امر را با ملت

درگیری‌ها در اطراف خیابان باب‌همایون برای تسخیر رادیو تا ساعت سیزده‌وسی دقیقه روز یکشنبه ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ همچنان ادامه داشت. درگیری‌های دیگری نیز در اطراف خیابان جام‌جم در جریان بود. گروهی از نظامیان تا خیابان ولیعهد [ولیعصر] پیش آمدند و مردم را به رگبار بستند و چند بار هم مردم از پس آخرین نظامیان وفادار به سلطنت برآمدند و تا درون جام‌جم آنها را تعقیب کردند. ساعت دو بعدازظهر، بخش تولید و انتشارات توسط نظامیان آتش زده شد و آنگاه مأموران انتظامی و افراد نظامی که از هم پاشیده بودند ناچار به فرار شدند و سرنجام رادیو تلویزیون به تسخیر مردم مسلح در آمد.

زمانی که اخبار ساعت ۲ رادیو اعلامیه بی‌طرفی ارتش را قرائت کرد، به یگان‌های مستقر در رادیو تلویزیون دستور داده شد که محل را ترک کنند. فرمانده یگان مستقر در سازمان رادیو تلویزیون دستور اجرای فرمان را داد، اما پیش از ترک محل مأموریت همبستگی خود و افراد تحت امر را با ملت

۲۳ بهمن

جیمی کارتر گفت «ما هر دولت قانونی که در ایران حکومت را در اختیار داشته باشد به رسمیت می‌شناسیم و اکنون خواهان همکاری با دولت مهندس مهدی بازرگان هستیم.» اتحاد جماهیر شوروی نیز رسماً دولت بازرگان را به رسمیت شناخت.

۲۶ بهمن

امام خمینی تأکید کردند اعتصابات از روز شنبه ۲۸ بهمن باید شکسته شود. تا حالا اعتصابات در خدمت ملت بود. از حالا به بعد شکستن اعتصابات در خدمت ملت است و اگر کسی وسوسه کرد و گفت فلان اعتصاب باید باقی باشد، خائن است.

۱۵ بهمن

با حکم امام خمینی مهندس مهدی بازرگان به‌عنوان نخست‌وزیر موقت انقلاب خون‌های ریخته شده در جریان انقلاب اسلامی ایران از تعیین شد. کارکنان نخست‌وزیری حمایت خود را از امام خمینی و انقلاب اسلامی اعلام کردند.

۲۱ بهمن

فرماندار نظامی تهران و حومه در اعلامیه شماره ۴۰ خود مقررات منع عبور و مرور را از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۵ بامداد برقرار کرد. در پی انتشار این اعلامیه امام خمینی بلافاصله در پیامی از مردم خواستند تا مقررات منع رفت و آمد را نادیده گرفته و به خیابان‌ها بیایند.

۲۹ بهمن

با انتشار بیانیه‌ای مشترک به امضای سیدمحمد حسینی بهشتی، محمدجواد باهنر، سیدعلی خاتمی‌ای [رهبر معظم انقلاب]، سیدالکریم موسوی اردبیلی و اکبر هاشمی رفسنجانی، حزب جمهوری اسلامی در ایران تأسیس شد.

۳۰ بهمن

با حضور یاسر عرفات، سفارت فلسطین در ایران در محل سابق سفارت اسرائیل گشایش یافت.

۱۴ اسفند

به حکم امام خمینی دومین نهاد پس از پیروزی انقلاب با نام «کمیته امداد امام‌خمینی» تأسیس شد. نخستین نهاد یک روز پس از انقلاب با عنوان «کمیته انقلاب اسلامی» تأسیس شد.

۲۰ اسفند

ایران در پی پیروزی انقلاب اسلامی از پیمان استعماری «استو» خارج شد. دولت ترکیه اعلام کرد با خروج ایران از استو، عمر این پیمان عملاً به پایان رسید.



۱۳۵۸

1979